

۱۱۵

۰۰۰

۴۵

بازدید شد
۱۳۸۱

ارشاد
۴۴۸



351

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۶۲۸۷۴

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب ارشاد طبیبی

مؤلف

موضوع

۱۸۵۵

۱۰۵۴۹

فاز
۲۷-۲۶



شماره دفتر

۲۷۹۷۶۸

۱۱۸۰۹

خطی - فهرست شده
۱۴۶۶

۱۱۵

۰۰۵

۴۵

بازدید شد
۱۳۸۱

آرش و الطایی
۴۴۸



351

۵۲۸۷۶



کتابخانه مجلس شورای ملی



کتاب: آرش و الطایی

مؤلف:

شماره دفتر:

۱۴۵۵

موضوع:

۱-۵۲۹

۲۷۹۷۶۸

۱۱۴۰۹

بازدید شد
۲۷-۶۶

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----

خطی - فهرست شده
۱۴۶۶

[illegible][illegible]

[illegible]

و او هم که حق ندارد موجب استماع معطی و حجاب است و یکی نیست که معطی شئی و ابدان شئی است در آن متواتر که معطی باشد و سیم آن حق ندارد عالم است و معنی در ذات است و حادثات معلو حقه پس هرگاه که قدرشتر که میان حق و خلق بود باشد لازم می آید که حق حق در ذات خود عالم پیشامد باشد و لازم می آید که حق حق را متعذر کرده باشد متعذر حادثات است پس باطل است که تغییر حق بود باشد و مقدم که قدرشتر که باشد نیز باطل است پس ثابت شد قدرشتر که معنادار و دلیل بر ثابت قدرشتر که این حق و خلقی خطاب کنی است زیرا که اگر مخاطب خطاب کنی متوجه باشد و معنی لازم می آید توجه خطاب به خود و در آن خطاب است پس باید مخاطب کنی متوجه باشد بنحی که دلیل بر ثابت قدرشتر که از اوله لایقه قول هر یک که پس بدست آمد که در حق است نه حیده و نیز پس معنی و این خطه بیرون غرق و در آن هی پیوسته خطه زیرا که موضوع در حق قدرشتر که وجه جامع غیر است و لازم شد دلیل بر موضوع نمود بدو ششم دلیل بر ثابت قدرشتر که معنادار است معارف است که شش ظنات چون الله عالم چه در اصل و وجه معبر است با چه است و که قدرشتر که بود باشد و دیگر حق لغت را پس هر یک که هیچ وجه این و نباشد اصل صحیح است چه در میان مطلق اصل جائز باشد و هر که مطلق وجه معنویت باشد پس موضوع و محمول یک شئی باشد پس جمیع مجاز باشد و حال آنکه در اصل باید است از وجه مذکور در اصل متعین است و چون تابع از او که بعضی از او فرم و در ذات قدرشتر که این حق و خلقی شروع کردیم و در بیان باطل است که او را با جمیع سبب که از آن حق حق را معنی از وجه شبه احاطت و شکی نیست که هر یک از وقت محنت است و باید از قدرشتر که لازم در وجه است و از این لازم در در و یک سبب از یک در حق و در جمیع محال است و در قابل یک سبب از یک سبب از این باید از در یک است باطل است چه در وقت هر یک که یا حق که اولی است که گفته اند هرگاه که معنی این حق و خلقی معنوی باشد لازم می آید که شتر از لفظی چنانچه معنی و در این لازم در در معنویت لغت و در این معنادار در حق محال است پس باید شتر از معنوی بود باشد

[illegible][illegible]

خدا صد و دوفتی که شعله می کشد و ملا و بر سلس و متعلق نوا که می کشی که در نور خود بود و کشش که کجاست
 ابتدا از بنویسند و شمار که در پس خبر به مرای در بای بر یک هم که خبر است دلیل بر اثبات حدیث
 عالم پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که بنزدیک ترین که بشمار و دلیل آورده می شد بر حدیث عالم
 اوست که عرض کرد که چه خبر است آن حضرت تم مخفی طلب فرمود در آن بر کف دست خود گذاشت پس
 فرمود این تم حدیثی است هم اندک یعنی فرموده در آن ای سرور که تا زکیت و جاری می شود و
 شوه ای یکی و طایفه ای یکی و بعد از آن ضعیفی شود و در آن مانند و پس فرمود که داخل شده است در آن
 تم چیزی است که اگر حدیث آن حضرت فرمود این است دلیل بر حدیث عالم و کشی نیست که حدیث صحیح است
 که احادیث باید آورد و حدیث باقیه از سنی بخش که تواند که بود سنی بخش و از جمله ای که باید
 بر حدیث عالم است حدیث جدید و بعد از آن که در حدیث بر حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
 یا جعفر بن محمد و فی عاصم و فی سنی من اعمی فقال له ابو عبد الله علیه السلام و انما احادیث
 بر حدیث عالم است حدیث جدید و بعد از آن که در حدیث بر حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
 یا جعفر بن محمد و فی عاصم و فی سنی من اعمی فقال له ابو عبد الله علیه السلام و انما احادیث
 بر حدیث عالم است حدیث جدید و بعد از آن که در حدیث بر حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
 یا جعفر بن محمد و فی عاصم و فی سنی من اعمی فقال له ابو عبد الله علیه السلام و انما احادیث

صالح که در حدیث عالم است حدیث جدید و بعد از آن که در حدیث بر حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
 یا جعفر بن محمد و فی عاصم و فی سنی من اعمی فقال له ابو عبد الله علیه السلام و انما احادیث
 بر حدیث عالم است حدیث جدید و بعد از آن که در حدیث بر حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
 یا جعفر بن محمد و فی عاصم و فی سنی من اعمی فقال له ابو عبد الله علیه السلام و انما احادیث
 بر حدیث عالم است حدیث جدید و بعد از آن که در حدیث بر حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
 یا جعفر بن محمد و فی عاصم و فی سنی من اعمی فقال له ابو عبد الله علیه السلام و انما احادیث
 بر حدیث عالم است حدیث جدید و بعد از آن که در حدیث بر حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
 یا جعفر بن محمد و فی عاصم و فی سنی من اعمی فقال له ابو عبد الله علیه السلام و انما احادیث
 بر حدیث عالم است حدیث جدید و بعد از آن که در حدیث بر حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
 یا جعفر بن محمد و فی عاصم و فی سنی من اعمی فقال له ابو عبد الله علیه السلام و انما احادیث

نیز

[illegible][illegible]

312

[illegible]

15140